

## تأثیر آموزش و پرورش در تربیت اجتماعی دانش آموزان

حمیدرضا محمدی<sup>۱</sup>، فاطمه رضائی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد، پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی زنجان

اداره آموزش و پرورش شهرستان طارم، آموزشگاه شهید جمشیدی

آدرس پست الکترونیک: Hamidreza911@ymail.com

شماره تماس: ۰۹۱۹۳۴۲۱۳۵۰

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد، مشاوره خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی ابهر

اداره آموزش و پرورش شهرستان طارم، آموزشگاه شهید کرمی

آدرس پست الکترونیک: rezaei92.f@gmail.com

شماره تماس: ۰۹۱۹۸۴۵۸۵۱۱

## چکیده

یکی از اساسی‌ترین رسالت‌های آموزش و پرورش، هم‌رنگ ساختن و هم‌نوا کردن افراد جامعه با قالب‌ها و هنجار‌هایی است که از قبل برای متریبی تعیین شده است. در این صورت کودکان و نوجوانان به شکل فعل پذیر و یک سویه، مطیع هنجارهای جامعه خواهند بود. به همین منظور در این پژوهش تأثیر آموزش و پرورش و ارکان‌های آن بر تربیت اجتماعی دانش‌آموزان با استفاده از روش توصیفی و تکنیک‌های مطالعه‌ی اسنادی بررسی شد. نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که آموزش و پرورش می‌تواند در رسیدن به توسعه و تربیت اجتماعی و همچنین تغییر در ساختارهای اجتماعی نقش بنیادی داشته باشد. از طرفی معلم به عنوان کانون اصلی آموزش و پرورش می‌تواند بهترین فرصت را برای رشد و یادگیری اجتماعی دانش‌آموزان ایجاد کند تا آن‌ها دانش‌ها و ارزش‌ها را فرا گرفته و ضمن ایجاد تغییر رفتار در آن‌ها، مهارت‌های اجتماعی را نیز کسب کنند تا آن‌ها را در زندگی روزمره‌ی خود به کار ببرند.

کلید واژه‌ها: آموزش و پرورش، تربیت اجتماعی، معلم، دانش‌آموز

## مقدمه:

آموزش و پرورش یکی از مناسب ترین راه های رسیدن به توسعه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی می باشد. هم چنین به عنوان یکی از نهادهای تأثیر گذار در ایجاد و تغییر رفتار جامعه نقش مهمی را به عهده دارد. دانش آموزان در مدرسه آموزش می بینند تا دانش ها و ارزش ها را فراگرفته و ضمن ایجاد تغییر رفتار در آنان، مهارت های اجتماعی را نیز کسب کنند تا آنها را در زندگی روزمره خود به کار ببرند. موضوع تربیت اجتماعی و نقش فرد و جامعه در این فرایند پیچیده، همواره یکی از مباحث عمده و چالش برانگیز در روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی بوده است. یکی از آرمان های مهم هر جامعه ای این است که نسل جدید را در فرایند « اجتماعی کردن » به گونه ای تربیت کند که به سادگی و سهولت تابع هنجارها، ارزش ها و قواعد و مقررات پذیرفته شود. معلم به عنوان يك عامل تقویت می تواند، رفتار دانش آموزان را شکل دهد و عاملی برای بازخورد باشد. همچنین معلم در نقش اجتماعی به ایجاد روابط سالم اجتماعی کمک می کند توجه به نقش های گوناگون و جهت دادن معلم در ایفای نقش ها باعث می شود که فرصت و امکان رشد بیشتری به دانش آموزان داده شود. معلم می تواند دانش آموزان را در جهت ارزش های اخلاقی سوق دهد. لازمه ی این کار ایفای نقش معنوی است. اگر معلم معتقد باشد که بدون يك فلسفه ی اخلاق و توجه به زمینه ی معنا خواهی، نمی توان جهت زندگی را شناخت و دنبال کرد. طبعاً دانش آموزان را در این زمینه پرورش خواهد داد و انگیزه معنا خواهی را در آنان، بر خواهد انگیخت. در بعضی از نظام های آموزشی و تربیتی، هدف از تربیت کودکان و نوجوانان، « اجتماعی کردن » آنان و در نهایت فراهم ساختن شرایطی است که نسل جدید با توجه به هنجارها و ارزش های پذیرفته شده، هویت فردی خود را در هویت اجتماعی آن جامعه ممزوج گرداند؛ به طوری که تمایز یافتگی و خصوصیت منحصر به فرد افراد در سیطره ی هنجاری ها و قواعد جامعه رنگ ببازد.

## تعاریف و مفاهیم

### تعلیم و تربیت:

تعلیم و تربیت فعالیت یا کوششی است که در آن افراد مسن تر اجتماع انسانی یا آن هایی که رشد بیشتری دارند با افرادی که در مسیر رشدند، نتوانند رشد بیشتری را در آن ها به وجود آورند و از این راه به پیشرفت زندگی انسانی کمک کنند.

### معلم:

در زبان فارسی معلم در دو معنا به کار می رود: یکی تعلیم دهنده و آموزنده. دیگری عالم و فیلسوفی که جامع علوم عصر و واضع بخشی از دانش هاست. ( معین، فرهنگ فارسی ).

## اجتماعی شدن:

فرآیندی است که کودکان به کمک آن ارزش‌ها، اعتقادات و معیارهای رفتاری را که فرهنگ‌شان از آن‌ها انتظار دارند می‌آموزد، مدرسه مهم‌ترین مرکز برای فعالیت‌های گوناگون اجتماعی است و می‌توان علاوه بر فعالیت‌های آموزشی با تشکیل اجتماعات، انجمن‌ها، گردش‌های علمی و ... به تربیت اجتماعی افراد کمک کرد.

## تربیت اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه:

تربیت اجتماعی در گرو داشتن تصویری روشن از مفهوم اجتماعی بودن و فطری بودن یا نبودن اجتماع انسانی است. آنچه واضح است این است که نیاز به جامعه برای زندگی ما آدمیان یک امر علوم است. خواه به لحاظ تنوریک، قایل به فطری بودن این نیاز باشیم یا آن را نتیجه جبر اجتماعی، حساب‌گری، توافق و ... بدانیم اما دیدگاه هر مکتبی نسبت به فطری بودن یا نبودن این مسئله، در نظرات بعدی آن‌ها نسبت به مفهوم و اهداف اجتماعی کردن یا جامعه پذیر نبودن افراد، دقیقاً با این مسئله که آن‌ها ذاتاً اجتماعی هستند یا نیستند؟ آیا اجتماع عارض به وجود آن‌هاست یا لازمه‌ی وجودی آن‌ها و ... مرتبط است.

## اصول تعیم و تربیت

معلم به عنوان عامل جامعه و وظائف خاصی به عهده دارد. معلم باید در سازگاری اجتماعی به شاگردان کمک کند. آنها را برای زندگی اجتماعی آماده سازد، مسائل اجتماعی را برای ایشان تشریح کند و برای برخورد به شرایط متغیر در زندگی اجتماعی آنها را مجهز سازد. اما مقدم بر همه چیز معلم باید در رشد قوای عقلانی شاگرد اقدام کند و شاگردان را به میراث فرهنگی و مؤسسات اجتماعی آشنا سازد.

شاگرد به عنوان یک فرد کم‌رشد و ناآشنا به مؤسسات اجتماعی باید:

۱- ساختار اجتماعی و نحوه ارتباط مؤسسات آن را مورد مطالعه قرار دهد.

۲- برای تأمین احتیاجات شخصی رویه‌ای را که مورد قبول جامعه است اتخاذ کند.

۳- برای حفظ و بقای جامعه هر نوع کمکی می‌تواند، انجام دهد.

مدرسه، تشکیل شده از افرادی مانند معلم، شاگرد، مدیر، کارکنان قسمت اداری، سرپرست‌ها و والدین دانش‌آموزان که هر یک به نوبه خود در وضع دیگری مؤثر بوده و همه دارای وظائف و حقوق خاصی هستند. کار مدرسه اجرای وظیفه تربیتی جامعه است. بقای جامعه و حفظ وحدت و یگانگی آن و تأمین احتیاجات افراد آن مربوط به اجرای همین وظیفه تربیتی است.

## اول- اصول تعلیم و تربیت و جریان های اجتماعی:

### ۱- همکاری:

همکاری ۱ از لحاظ جامعه شناسی جریانی است که در آن افراد و گروه ها برای نیل به هدفهای عمومی فعالیت های خود را متحد کرده و از کمک یکدیگر برخوردار باشند و موفقیت يك فرد یا يك گروه عین موفقیت افراد و گروه های دیگر باشد. ادامه حیات اجتماعی تا حد زیادی مربوط به همکاری و اشتراك مساعی افراد جامعه است. عادات به همکاری و ادراك ارزش آن در زندگی اجتماعی امری است که باید مورد توجه مرییان باشد. شرکت دادن بچه ها در فعالیت های تربیتی و تعلیماتی و اقدام به کارهای دسته جمعی روح همکاری را در میان آنها تقویت می کند. اساس کارهای تربیتی باید بر همکاری معلم، شاگرد و والدین استوار باشد. روی این اصل معلم باید در تهیه برنامه، انتخاب مواد درسی، تعیین هدفهای تربیتی و ارزش سنجی پیشرفت شاگردان با آنها همکاری نماید و در حل مسائل شخصی و اجتماعی با هر يك از شاگردان اشتراك مساعی کند.

### ۲- سازگاری اجتماعی:

سازگاری اجتماعی ۲ جریانی است که در آن روابط افراد و گروه های مختلف طوری تنظیم و برقرار شده که رضایت آنها تأمین شده است. تقلید و رشد تمایل موافق خود نوعی سازگاری اجتماعی است.

از لحاظ تربیتی سازگاری اجتماعی تا اندازه ای ضروری است. بچه در مدرسه، در خانه و سایر موقعیت ها با آداب و رسوم، قوانین و مقررات و میزان های خاصی روبرو می شود. پاره ای از این امور برای ادامه زندگی ضروری است و فرد اجباراً باید از آنها پیروی کند تا بتواند در يك وضع رضایت آمیز با دیگران به سر برد. کار معلم آشنا کردن بچه ها به ارزش و اهمیت این گونه امور می باشد.

### ۳- مخالفت:

یکی دیگر از جریان های اجتماعی مخالفت ۳ است. از لحاظ جامعه شناسی مخالفت به آن دسته از عکس العمل ها اطلاق می گردد که فرد به وسیله آنها می خواهد از شرایط و عوامل معینی برای نیل به هدف های خود استفاده نماید در صورتی که همین شرایط مانع موفقیت دیگران در نیل به هدف ها است. مخالفت اجتماعی مشتمل بر تضاد و رقابت است. مخالفت ممکن است امری درونی و شخصی باشد یعنی فرد برای ترجیح يك میزان یا انتخاب يك راه در خود احساس نماید. گاهی مخالفت میان دو شخص یا گروه های مختلف ظاهر می گردد. از لحاظ تربیتی معلم وظیفه خاصی در مقابل این جریان دارد. در موقع مخالفت های درونی مثل تضاد میان استعداد و تمایلات فرد یا تضاد میان احتیاجات و رغبت های شخصی و مخالفت میان تمایلات و مصلحت فرد معلم باید به افراد کمک کند تا خود را بهتر بشناسد. استعداد، احتیاج، رغبت ها و

1 - Cooperation

2 - Social Adjustment

3 - Opposition

مصالح خویشتن را بهتر تشخیص دهند و تمایلات خود را تحت نظر عقل و خرد خویش در آورند. در مورد مخالفت میان اشخاص، مربی باید افراد را به حقوق و وظائف خود آشنا سازد و اختلاف نظر افراد را وسیله ای برای رشد فکری و اخلاقی ایشان قرار دهد و به ایشان کمک کند تا درباره یکدیگر بهتر قضاوت کنند و روابط صحیح تری میان هم برقرار نمایند. از همین طریق می توان مخالفت گروه ها را به طور منطقی و عقلانی از میان برد یا تقلیل داد. باید توجه داشت که افکار و عقاید تا حدی برای رشد جامعه سودمند است ولی این اختلاف نباید به صورت دشمنی و مخالفت های غیر اصولی ظاهر گردد.

۴- توافق:

توافق؛ یکی از جریان های اجتماعی است که در آن روابط اشخاص به منظور جلوگیری از تضاد یا تقلیل و از بین بردن آن تغییر می یابد و سازش میان افراد توسعه پیدا می کند. توافق و سازش متقابل در زندگی اجتماعی کمال اهمیت را دارد. چون غالب اوقات رفع اختلافات فکری به طور کلی میسر نیست. بنابراین توافق و سازش میان افرادی که دارای افکار و عقاید مختلف هستند ضروری به نظر می رسد.

از نظر تربیتی این جریان اهمیت خاصی دارد. در دنیای امروز اقوام مختلف در اثر پیشرفت وسائل ارتباطی با یکدیگر در تماس هستند. ادامه این تماس ها برای توسعه و پیشرفت تفاهم بین المللی امری ضروری است. بنابراین افراد باید خود را برای برخورد با افکار و نظریات مختلف آماده سازند. رشد قضاوت صحیح در افراد آنها را برای برخورد به افکار و عقاید مختلف آماده می سازد معلم نیز در مدرسه دائماً با افکار و عقاید گوناگون سروکار دارد. او باید از هر گونه تعصبی عاری باشد و قدرت تحمل یا «سعه صدر» داشته باشد تا بتواند در بررسی افکار و نظریات مختلف به شاگردان کمک کند و طرز تفکر علمی را میان ایشان رسوخ دهد.

دوم- مدرسه به عنوان يك مؤسسه اجتماعی ه

برای فهم مسائلی که مربی با آنها برخورد دارد تحلیل ابعادی که در آن اعضای مدرسه با یکدیگر ارتباط پیدا می کنند مفید به نظر می رسد.

۱- بعد مربوط به کار رسمی مدرسه:

کار مدرسه تأمین قسمت عمده احتیاجات تربیتی جامعه است. برای اجرای این امر مدرسه وسائل لازم را فراهم می کند، برنامه های تربیتی را تهیه می نماید و افراد شایسته را انتخاب می کند تا در توسعه مهارت های اجتماعی میان شاگردان و آشنا کردن آنها به مسائل جامعه اقدامات لازم را معمول دارند. نحوه ارتباطی که میان اعضای مدرسه برای اجرای منظور بالا به وجود می آید از جهتی کار رسمی مدرسه خوانده می شود.

<sup>4</sup> - Accommodation

<sup>5</sup> - Tolerance

## ۲- بعد مرجعیت:

اداره مدرسه مستلزم این است که به موقع تصمیم مقتضی اتخاذ شود. اشخاصی که صلاحیت اخذ تصمیم را دارند باید معین باشند. در جریان اخذ تصمیم ممکن است همه اعضای مدرسه شرکت داشته باشند. راهی که در آن افراد ذی صلاحیت در اخذ تصمیم با هم و با دیگران ارتباط پیدا می کنند بعد مرجعیت<sup>۶</sup> نامیده می شود. مرجعیت در هم آهنگ ساختن فعالیت های اعضای مدرسه و متعادل ساختن آن ها نقش مؤثری دارد.

## ۳- بعد ارتباط<sup>۷</sup>:

برای هم آهنگی میان اعضاء در اجراء وظیفه اساسی مدرسه و اجراء تصمیمات متخذه ارتباط صحیح میان اعضاء لازم است. راهی که در آن اعضاء مدرسه از وضع کار هم مطلع شده و از پیشرفت امور آگاه می شوند بعد ارتباط نامیده می شود.

## ۴- بعد قدرت:

آن دسته از اعضاء مدرسه که قادر به تأمین احتیاجات افراد یا ممانعت از تأمین احتیاجات آن ها هستند منبع قدرت در مدرسه می باشند این دسته ممکن است جزء اولیاء مدرسه باشند یا در میان والدین یا شاگردان ظاهر گردند. راهی را که در آن افراد به منظور کمک یا ممانعت در تأمین احتیاجات یکدیگر با هم ارتباط پیدا می کنند بعد قدرت می نامند.

## ۵- بعد امتیاز و احترام:

در مدرسه عده ای از اعضاء به علت دارا بودن موقعیت حساس از قبیل ریاست و معاونت مدرسه از امتیازات خاصی برخوردار هستند. این امتیازات فقط به خاطر شغل و موقعیت به آن ها داده می شود نه به خاطر کمکی که آنها به مؤسسه می کنند. راهی که در آن افراد يك مؤسسه در این زمینه با هم ارتباط پیدا می کند بعد امتیاز نامیده می شود.

## ۶- بعد روابط غیر رسمی<sup>۸</sup>:

هر يك از افراد مؤسسه اجتماعی در اثر برخورد به مانع در تأمین احتیاجات شخصی و عدم توانایی در ایجاد تعادل میان امتیازات و محدودیت های خود دچار اضطراب و ناراحتی می شود و میل دارد در این زمینه به طور غیر رسمی با دیگران صحبت کند. در اثر همین تمایل روابط دوستانه برقرار می شود و دسته های كوچك غیر رسمی تشکیل می گردد. راهی را که در آن افراد برای تسکین آلام درونی خود با هم ارتباط پیدا می کنند بعد روابط غیر رسمی می نامند.

<sup>6</sup> - Authority

<sup>7</sup> - Comunication

<sup>8</sup> - Informal Relations

## کلاس به عنوان يك مؤسسه اجتماعی

برای اینکه کلاس بهتر به هدفهای تربیتی نائل گردد و شاگردان فراخور استعداد و توانایی خویش رشد نمایند؛ همچنین برای بالا بردن نتیجه کار کلاس و تسهیل یادگیری و به منظور اینکه اعضاء کلاس به عنوان فرد و به عنوان عضو يك گروه بهتر بتوانند احتیاجات خود را تأمین کنند توجه به ابعاد زیر در موقعیت اجتماعی کلاس برای مریبان ضروری است.

### ۱- بعد حل مسئله:

معمولاً افراد يك کلاس با دو نوع مسئله روبرو هستند. اول مسائلی که از محیط مدرسه یا محیط خارج از مدرسه ناشی می شود. محیط مدرسه از طریق وضع مقرراتی، تهیه لوازم و تعیین برنامه و هدفهای تربیتی مسائلی برای شاگردان به وجود می آورد. همین طور محیط خارج از مدرسه مثل وضع خانوادگی و موقعیت شغلی والدین و بچه ها و وضع محیطی که مدرسه در آن واقع شده است مسائلی برای شاگردان ایجاد می کند. دوم مسائلی که از محیط داخلی کلاس ناشی می گردد. اگر بنا باشد احتیاجات افراد کلاس تأمین گردد و وحدت و همبستگی میان آنها برقرار شود اقدام به حل این مسائل از طرف اعضاء کلاس ضروری است.

### ۲- بعد رهبری و مرجعیت:

برای اینکه مسائل مختلف در کلاس مطرح و شاگردان طرق صحیح برای حل آنها اتخاذ کنند یا مشخص کردن عده ای که مسئولیت اداره این امر را به عهده گیرند و مقدمات بررسی و حل مسائل را فراهم کنند ضروری است. این عده به عنوان مرجع یا رهبر انتخاب می شوند.

### ۳- بعد قدرت:

غالباً بعضی از افراد به واسطه داشتن استعداد زیاد، در تعیین جهت کار دیگران یا در تغییر فکر و تمایل آنان تأثیر دارند. این عده ممکن است مقام و موقعیت رسمی در کلاس داشته باشد مانند معلم و سرپرست تعلیماتی و امکان دارد از میان شاگردان بعضی به واسطه استعداد بیشتر منبع قدرت شوند و در دیگران نفوذ پیدا کنند.

### ۴- بعد رفاقت:

همان طور که در مدرسه عده ای به واسطه عدم تأمین احتیاجات خود یا عدم توانایی در ایجاد تعادل میان امتیازات و محرومیت های شخصی ناراحت می شوند و اقدام به تشکیل دسته های کوچک می کنند در کلاس نیز چنین جریانی بوجود می آید و چون افراد نمی خواهند ناراحتی های خود را نزد همه ابراز دارند یکی دو نفر را که مورد اعتماد ایشان هستند انتخاب می کنند و با ایشان رفیق می شوند از این راه روابط خصوصی میان افراد تشکیل گردد.

### ۵- بعد احترام و حیثیت شخصی:

ضمن اجرای برنامه های آموزشی هر يك از افراد کلاس برای پیشرفت گروه كمك می کند و اقدامی به عمل می آورد. همین كمك ها استعداد ها و ارزش افراد را مشخص می سازد و برای آنها در میان گروه احترام خاصی ایجاد می کند. این جریان



دو اثر دارد یکی اینکه استعداد های افراد را بهتر رشد می دهد. دیگر اینکه احتیاجات اساسی افراد را از راه تثبیت موقعیت اجتماعی و بستگی به گروه تأمین می نماید. (شریعتمداری، ۱۳۸۵، ص ۹۵-۱۰۲).

## اهمیت تربیت اجتماعی

۱- اجتماع انسانی که نظام تعلیماتی نداشته باشد، وجود ندارد. در واقع هر اجتماعی با ورود بی وقفه افراد جوانش به آن، استقرار می یابد. هیچ گونه آمادگی قبلی مادرزادی، نوعی یا قبیله ای برای پیوستن به فلان یا به همان اجتماع خاص در جوانان، وجود ندارد. اجتماع با اتخاذ تدابیر مقتضی این آمادگی را در طبقه جوان به وجود می آورد و قبل از آن که فردی را به عضویت بپذیرد آمادگی اش را به کمک امتحانات و مسابقات می سنجد.

۲- تعلیم و تربیت مناسب ترین وسیله، برای فراهم کردن موجبات سازگار شدن جوان با گروه است. موجبات وارد شدن فرد را به عنوان اندامی در پیکر جامعه و به عنوان بازیگری در این نمایش گروهی فراهم می سازد. فرد به عنوان عضوی از ارگانیک جامعه و به عنوان همکاری در نظام ارتباطات اجتماعی وارد می شود، یک سمت خالی را با حضور خود پر می کند و ارتباطات لازمی را با همکاری خود برقرار می سازد. جوان در تعلیم و تربیت به جایی می رسد که می تواند بی آن که زیاد به زحمت بیفتد در زندگی گروهی، در عادات گروهی، در سازمان قانونی و حقوقی اش، در احساسات و اعتقاداتش سهیم و شریک شود. پیوستن جهان بینی گروه، به نگرشی که افراد آن نسبت به خود دارند، پذیرش نظر افراد گروه نسبت به انسان و نظر افراد گروه نسبت به روابط اجتماعی است. تعلیم و تربیت اجتماعی اولین مرتبه ی معنویت و روحانیت است.

۳- تربیت اجتماعی به فرد، شکل جدیدی می دهد، او را به رفتار های جسمی و مغزی مجهز می کند که شرایط لازم آن در طبیعت زیستی مندرج نیست. با تربیت اجتماعی از فرد موجود تازه ای متولد می شود که با وجود مادیش به معارضه بر می خیزد و سعی می کند خود را از سلطه ی جنبه ی مادی برهاند.

۴- تعلیم و تربیت نقش آزادی بخشش را در سطح اجتماعی ایفا می کند و از محافظه کاریش کاسته می شود. از آن جا که تعلیم و تربیت تصویر جامعه مطلوب را به نسل جوان ارائه می دهد در واقع پشتیبانی جوانان را که تازه نقش و نیرومندترند نسبت به تحقیق جامعه ی مطلوب و رها شدن از وضع موجود جلب می نماید، همه ی جوانان به تلاش های مربوط به ایجاد جامعه ی کمال مطلوب ملحق می شوند و به نیرو های انقلابی می پیوندند. در واقع تصویر جامعه ی کمال مطلوب که نسل جوان آن را جدی گرفته است وی را به ترك وضعیت موجود دعوت می کند.

۵- تعلیم و تربیت خود به خود سعی می کند در عین حال که اجتماعی است فرهنگی شود. آشنایی با گذشته به وسیله ی تاریخ، آشنایی با ارزش های فرهنگی و هنری از طریق علوم، ادبیات و هنرها و بالاخره آگاهی از تمدن های مختلفی که از لحاظ زمان و مکان با ما فاصله دارند، ذهن را از دلبستگی بی قید و شرط به جامعه و فرهنگی خاص رها می سازد. از

این پس، فرد طرفدار ارزش هایی است که مورد توافق همه ی جوامع است و به جامعه ی معینی تعلق ندارد. (شکوهی، ص ۶۵-۶۸)

## هدف های اجتماعی شدن

محتوای فراگرد اجتماعی شدن به گوناگونی خود جامعه های انسانی است. به این معنی که هر جامعه با توجه به شرایط و مقتضیات خود سعی دارد هر يك از افراد را به صورت فردی اجتماعی درآورد. معهدا، زمینه ی محیطی و فرهنگی جامعه هر چه باشد، جامعه پذیری واجد برخی هدف ها و مقاصد مشترك است که در زیر به شرح اهم آن ها می پردازیم:

۱- یکی از مقاصد امر جامعه پذیری آن است که قواعد و نظام های اساسی از آداب و عادات و رفتار روزمره گرفته تا روش های علمی، به افراد آموخته شود.

۲- فراگرد اجتماعی کردن به همان اندازه که عادات و رفتار فرد مطابق هنجارهای اجتماعی تحت نظم و انضباط در می آورد، به وی امید و آرزو می دهد. زیرا انضباط به خودی خود وقتی برای فردی شاق و بی پاداش باشد تحمل سوز است. تحمل و رعایت آن موقعی به خوبی مؤثر است که فرد آن را وسیله ای بر تحقق هدف های خویش ببیند.

۳- فراگرد جامعه پذیری از طریق برآوردن خواسته ها، آرزوها، امیدها و سودهای فردی یا باز پس راندن وی از دست یافتن به آن ها، برای او هویت می آفریند.

۴- فراگرد جامعه پذیری نقش های اجتماعی، آمال و آرزوها، هویت ها و قواعد و نظامات رفتاری با هم روابط متقابل نزدیکی دارند. (علاقه بند، ۱۳۷۹، ص ۱۱۰-۱۰۷)

## آموزش و پرورش و توسعه اجتماعی

منظور از توسعه اجتماعی، تغییر اجتماعی مبتنی بر برنامه ریزی و طراحی بیش اندیشیده است. برنامه ریزی آموزشی سنجیده می تواند به تغییرات اجتماعی مدد برساند. مثلاً شواهدی در دست است که سواد آموزی به توسعه اقتصادی و اجتماعی کمک می کند. از این رو، برنامه های سوادآموزی در مقیاس وسیع، از جمله روش های مهم توسعه کشورها به شمار می آید. معهدا، چون کنترل و هدایت آموزش و پرورش همواره در اختیار قشرهای حاکم و ذی نفوذ جامعه است از نیروها، تغییر اجتماعی از روی برنامه و نقشه قبلی دامنه ی محدودی پیدا می کند. هر چند نتایج حاصله غالباً غیر منتظره است. آموزش و پرورش از روی برنامه معمولاً با روال کند تغییر در زمینه اجتماعی که موجب پایین بودن استانداردهای آموزشی است، هماهنگ نیست. در اغلب کشورهای در حال رشد تقاضای ارضا نشدنی قابل ملاحظه ای برای آموزش و پرورش وجود دارد. زیرا آموزش و پرورش به عنوان مقدمه و سرآغازی برای دستیابی به مقام و پایگاه اجتماعی بالاتر

به شمار می آید. در نتیجه، نظام آموزش و پرورش به توسعه ی فعالیت ها و بسط مؤسسات خود می پردازد و موجب می گردد که عده ای افزون از حد مورد نیاز به آموزش و پرورش و مهارت ها و فنون دست یابند که در بازار کاری مناسب برای آن ها پیدا نمی شود. این امر مخصوصاً برای قشرهای کم درآمد و محروم از آموزش و پرورش که سال ها دسترسی به تحرك اجتماعی از آن ها شده بوده، ناخوشایند و مأیوس کننده است. این وضع نتیجه ی گسترش بی حد و حصر آموزش در تمام سطوح، و پس افتادگی سایر نهادها و جوانب اجتماعی از لحاظ تغییر و دگرگونی است. بنابراین برای این که آموزش و پرورش بتواند به طور مؤثر و اثربخش عمل کند، لازم است که سایر اجزای ساخت و سازمان اجتماعی جامعه تغییر و دگرگونی یابند. (علاقه بند، ۱۳۷۹، ص ۱۵۹-۱۵۸)

### مدرسه و تغییر اجتماعی

مدرسه موسسه ای است که در چهارچوب نظام آموزش و پرورش جامعه، به منظور پرورش و آماده سازی کودکان و نوجوانان برای مشارکت در فعالیت های اجتماعی تاسیس گردیده است. هر جامعه با توجه به ارزش ها و اعتقادات، آداب و رسوم و شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود مدرسه را از ویژگی های خاصی از لحاظ هدف ها، وظایف و عملکردها برخوردار می سازد. در واقع مدرسه آینه ای است که ویژگی های نظام اجتماعی جامعه را در خود منعکس می سازد. از این رو در جامعه ای که جنگ طلبی از ارزش خاصی برخوردار است برنامه آموزشی مدرسه به ایجاد نگرش ها و آموزش روش های ان خواهد پرداخت، جامعه ای که در آن رستگاری روح و ارزش های دینی و اخلاقی رواج دارد، در برنامه آموزشی مدرسه این ارزش ها را مورد تاکید قرار می دهد و جامعه ای که در آن موفقیت تجاری و صنعتی و تولیدی آرمان اجتماعی است، مدرسه به تحقق آن همت می گمارد.

به علاوه چنین باورهائی درباره کارکرد مدرسه تحت تاثیر ماهیت و حدود تغییرات اجتماعی جامعه قرار می گیرد. از طرف دیگر، اگر جامعه ای در حال تغییر اجتماعی سریع است به دگرگون سازی نهادها و رسوم اجتماعی خواهد پرداخت و تردیدها و کشمکش هائی که تغییر اجتماعی در مردم به وجود می آورد، در اعتقاد آنان درباره نقش اجتماعی مدرسه منعکس خواهد شد. در این شرایط، هرچند تاکید بر آموزش فنون یادگیری همچنان پابرجا خواهد ماند، معهدات تغییر اجتماعی سریع، نیازهای اجتماعی جدیدی به وجود خواهد آورد که جواب گویی به آنها مستلزم تغییر در برنامه های آموزشی مدارس است. بدیهی است که این تغییرات بر اثر تردیدها و مقاومت هائی که از جانب مردم و دست اندرکاران امور آموزشی ابراز می شود، فقط به مرور و در دراز مدت خواهد توانست جاافتاده و مورد قبول واقع شود.

لازمه نوآوری و تغییر آن است که مدرسه ارزش های نوینی را به جامعه عرضه کند، به اقدامات تازه ای دست یزد و در صدد دگرگون سازی باورها و اعتقادات عمومی برآید. در صورتی که این نوع اقدامات با انتظارات و معیارهای اجتماعی متداول مغایر باشد، فعالیت ها و عملکرد مدرسه از مسائل و امور عادی و روزمره مردم فاصله گرفته و در نظر بزرگسالان جامعه بیگانه جلوه خواهد کرد. در نتیجه، آن ها از تائید و تصدیق اقدامات مدرسه خودداری خواهند نمود

زیرا ارزش ها و اقداماتی را که در مدرسه ترویج می کند خالی از فایده خواهند یافت. حتی اگر فعالیت های مدرسه برای خود دانش آموزان هم استفاده عملی نداشته باشد از فبول و پیروی آن سرباز خواهند زد.

در اینجاست که مدرسه از لحاظ وظیفه خود در تغییر اجتماعی با مساله ای اساسی روبروست. مدرسه هم باید موجد و پیش برنده تغییر اجتماعی باشد و هم مانع آن. بدین معنی که با توجه به کارکردهای اساسی خود، مدرسه باید در شرایط متغیر اجتماعی از لحاظ سازگار کردن جوانان و کودکان با فرهنگ و جامعه نو حتی الامکان خود را متحول سازد و در عین حال خود نیز به عنوان عامل تغییر در جامعه عمل کند. از طرف دیگر، مدرسه به علت عهده دار بودن کارکرد انتقال ارزش های گذشته و سنن و آداب و فرهنگ جامعه به کودکان و نوجوانان، بدون شک فراگردهای تغییر اجتماعی را کند می سازد. باید دید که این امر چگونه در عملکردهای مدرسه امکان پذیر شده است، یعنی هم به تغییر اجتماعی مدد می رساند و هم تا حدی مانع پیشروی آن می گردد. به طور کلی، می توان گفت: برنامه و مواد درسی و تحصیلی به وضوح این دو وظیفه را در خود منعکس می کند.

آموزش و پرورش، دانش، فنون و مهارتهایی را در میان قاطبه مردم توسعه می دهد که شیوه زندگی اجتماعی را به تدریج دگرگون می سازند. آشنایی مردم با روش های جدید انجام امور و فعالیت های اجتماعی و فراگیری آنها، ضرورتاً موجب سازگاری جامعه با اوضاع و شرایط جدید می شود. بنابراین، آموزش و پرورش، مقاومت در برابر تغییر را که مشخصه سنت گرانی است، متزلزل می سازد. معهدا، پیدایی و رواج روش های جدید انجام امور شرط کافی برای ایجاد دگرگونی نیست. این امر مستلزم آن است که این روش ها، چنانکه اشاره کردیم از جانب مردم پذیرفته شود و تعمیم یابد.

پس آموزش و پرورش نه فقط به مدد اشاعه دانش ها و ارزش های جدید بلکه با تمهید مقدمات آمادگی مردم برای قبولی آن ها، موجبات تغییر اجتماعی را مهیا می سازد. بدون تردید یک عامل مهم در این جریان، تحرک اجتماعی حاصل از آموزش و پرورش است. به این معنی که افراد با برخورداری از آموزش و پرورش و احراز شایستگی و تخصص از طریق آن، به وجهه و منزلت اجتماعی بالاتری دست می یابند. این ویژگی بر اهمیت آموزش و پرورش در جامعه تاثیر گذاشته، آن را از اقبال عمومی بیشتری برخوردار می سازد. آموزش و پرورش با برخورداری از این منزلت و اعتبار، می تواند نقش موثرتری در تغییر اجتماعی و نوآوری ایفانماید. (علاقه بند، ۱۳۷۹، ص ۱۵۸-۱۵۴)

### شخصیت اخلاقی کودک و تأثیر شخصیت اخلاقی معلم و مربی در او:

عامل صفات اخلاقی کودک، اجتماع یا جامعه ای است که در آن زندگی می کند، مدرسه نیز جزئی از این اجتماع و بلکه مهم ترین عامل موثر اجتماعی است، به ویژه در مراحل ابتدایی تربیت کودک، مدرسه عامل بسیار موثری به شمار می رود. اولین اثری که در زندگی عاید کودک می شود، نتیجه و بازده تأثیر افرادی است که در محیط او قرار دارند این افراد عبارت اند از پدر و مادر و سایر افراد خانواده ولی کودک وقتی کمی بزرگ تر شد با افراد بیش تری (همبازی ها و رفقا) در تماس است در سن پنج سالگی کودک به محیط جدید تری آشنا می شود و آن، محیط مکتب خانه و یا کودکستان است در این

محیط، کودک با کودکان هم سال و یا بزرگ تر از خود، و هم چنین با معلمی که مربی او است سرو کار دارد. احتمال قوی، کودک در این سن نمی تواند امور را بسنجد و هدف را تعیین کند چون او در این زمان، بسیاری از اعمال خود را از دیگران تقلید می کند.

شخصیت جدیدی که کودک تحت تأثیر اعمال او قرار می گیرد و رفتار او را تقلید می نماید معلم است چون او در نظر کودک عظیم ترین شخصیت می باشد. و کودکان در برابر خود جز او کسی را نمی پذیرند و غیر از او مقتدای دیگری را نمی شناسند. او مربی آنها است و راه را به آنها نشان می دهد. و بالاخره کودک در برابر تأثیر شخصیت معلم، مانند مرباست که به هر شکلی در می آید. لذا کودک غالباً اعمال و رفتار معلم را در هر چیز تقلید می کند. پس مرجع و اساس رفتار کودک، معلم و کودکان هم درس و هم بازی او در مدرسه، پدر و مادر و سایر افراد خانواده در خانه است، و اساس همه آن رفتار، قرآن، در محیط اسلامی است. و قرآن بهترین رفتار را به انسان تعلیم می دهد. لذا همه مربیان اسلامی پدر و مادران را به تادیب و تهذیب اخلاقی کودک تحریص کرده و آن را یکی از حقوق لازم برای کودک می دانند، چنان که در حدیث آمده است: « من حق الولد علی الوالدان یحسن ادبه... » یکی از حقوق فرزندان بر پدر آن است که فرزندش را نیکو ادب کند. بنابراین اعمال معلم باید عنوانی برای فضیلت و نمونه دستورالعمل اخلاقی باشد، تا کودک تحت تأثیر آن، دارای فضیلت گردد. تعلیم فضائل از طرف دیگر علاوه بر اعمال اخلاقی معلم، مستقلاً اثر مهمی در کودک می گذارند. چون انسان در برابر دانسته خود خاضع است. و در محیطی که بنا است فضائل اخلاقی نشر یابد، لازم است معلم آن را به کودکان تعلیم نماید.

نقش معلم را در ساخت شخصیت دانش آموزان می توان به صورت زیر بیان کرد:

۱- نقش آموزش و پرورش ذهنی

۲- نقش الگویی و رشد عاطفی

۳- نقش حمایتی و باور سازی استعداد ها و علایق

۴- نقش تقویتی و تلاش در ایجاد رفتار مطلوب

۵- نقش اجتماعی و ایجاد روابط سالم و سازنده

۶- نقش مشورتی و تشخیص و عرضه راه حل برای مشکلات

## نتیجه گیری

بررسی حاصل از این پژوهش نشان می دهد که، تربیت اجتماعی به یک معنا ایجاد توانایی و ظرفیت و بصیرت در فرد برای نوعی تغییر شرایط اجتماعی است و به معنای دیگر تبعیت از هنجارهای اجتماعی در شکل وسیع آن است. میان آدم اجتماعی که در حالت طبیعی به سر می برد و انسان طبیعی که به صورت اجتماعی زندگی می کند تفاوت بسیار است. یکی ساخته و پرداخته ی « طبیعت خویش » است و دیگری ساخته و پرداخته ی « اراده ی دیگری » است. هدف آموزش و پرورش تجدید ساختمان رفتار آدمی است؛ اما این تجدید بنا باید با تکیه بر قابلیت های فطری و مقتضیات روانی و عاطفی فرد انجام پذیرد. زیرا تربیت هر کس معطوف به درون مایه های بی همتایی است که براساس خلقت خاص ( ساختار روانی و بدنی ) خود رخ می دهد. همین طور در این مقاله اشاره شده است که معلم در تربیت اجتماعی وظایف و نقش های متعددی ایفا می کند. معلم می تواند از طریق الگو و سرمشق قرار دادن خود به رشد اجتماعی دانش آموزان خود کمک کند، یعنی او می تواند ارزش ها و مهارت های اجتماعی از جمله مسؤلیت پذیری را با نقش الگویی که ایفا می کند آموزش دهد.

## پیشنهادهای

- ۱- بالابردن جایگاه و شأن معلمان در جامعه با توجه به نقش الگویی که دارند
- ۲ - تشکیل جلساتی برای معلمان و مربیان مدرسه و دعوت از کارشناسان و اساتید دانشگاه برای تشریح اهمیت موضوع و ارائه طرقی جهت آشنایی هرچه بیشتر معلمان با مقوله ی " تقویت مهارت های اجتماعی دانش آموزان" در قالب شورای معلمان، سمینار و سخنرانیها.
- ۳ - نظارت مدیران مدارس بر روش تدریس معلمان و گرفتن بازخورد از دانش آموزان .
- ۴ - ترغیب معلمان به استفاده از روش های تدریس نوین با تاکید بر مشارکت فعال کلیه دانش آموزان کلاس.
- ۵ - توجه جدی مربیان پرورشی به فعالیت های پرورشی و فوق برنامه در مدرسه و دادن مسؤلیت و استفاده از دانش آموزانی که از این بابت مشکل دارند.
- ۶ - تشکیل جلسات گروهی آموزشی مهارت های اجتماعی و استفاده از اساتید مجرب ، برای دانش آموزانی که به تشخیص شورای تربیتی مدرسه نیاز به توجه بیشتر دارند. ( بدیهی است حداقل امکان دانش آموزان نباید متوجه انتخاب هدفمند خود شوند)
- ۷ - استفاده از شیوه ی کنفرانس یا مسابقات گروهی در کلاس در راستای موضوعات درسی و عضویت تمام دانش آموزان در آن گروه ها و تشویق غیرمستقیم دانش آموزان شناسایی شده توسط معلمان در کلاس.
- ۸ - برگزاری مراسم هنری مانند شعر، نمایش و مسابقات ورزشی و عضویت این دسته دانش آموزان به همراه دیگر افراد.
- ۹ - آموزش مهارت اجتماعی، در برنامه های آموزش ضمن خدمت برای مشاوران و معلمان و نیز در برنامه های دانش افزایی مادران و پدران در نظر گرفته شود تا آنان بتوانند در سازگار ساختن دانش آموزان و بالا بردن عملکرد تحصیلی آنان نقش لازم را ایفا کنند.

## منابع و مأخذ

- باقری، خسرو ( ۱۳۸۹ ) الگوی مطلوب آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران، انتشارات مدرسه
- باقری، خسرو ( ۱۳۸۶ ) دیدگاه های جدید در فلسفه تعلیم و تربیت، نشر علم
- شریعتمداری، علی ( ۱۳۸۵ ) اصول تعلیم و تربیت، انتشارات دانشگاه تهران
- شکوهی، غلامحسین ( ۱۳۸۶ ) مبانی و اصول آموزش و پرورش، انتشارات آستان قدس رضوی
- کریمی، عبدالعظیم ( ۱۳۸۵ ) آسیب شناسی تربیت اجتماعی ، نشر عابد
- کریمی ، عبدالعظیم ( ۱۳۹۰ ) حکمت های گمشده در تربیت (نگاهی تازه به متون دیرینه ) نشر عابد
- قطب، محمد ( ۱۳۸۹ ) روش تربیتی اسلام و کاربرد عملی آن، ترجمه محمود ابراهیمی ، نشر آراس
- دلاور، علی ( ۱۳۹۳ ) مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، نشر رشد
- مطهری، مرتضی ( ۱۳۹۳ ) تعلیم و تربیت در اسلام ، انتشارات صدرا

## منابع لاتین

- 1. Crosswell, Leanne J. & Elliott, Robert G. (2004) Committed teachers, passionate teachers : the dimension of passion associated with teacher commitment and engagement. In AARE 2004 Conference, 28<sup>th</sup> November – 2<sup>nd</sup> December, Melbourne, Australia.**